

## نخبگان سیاسی ایران از منظر یک محقق مصری

تغییرات و تفاوت‌های کلی پدید آمده است. زلزله انقلاب اسلامی این عقیده ایرانیان را که همواره به شاه به عنوان سایه خدا روی

زمین می‌نگریستند و تنها او را شایسته این جایگاه مقدس تلقی می‌کردند، از میان برد و به بیانی دیگر برداشتی را که در نحوه شکل‌گیری و تکوین نخبگان سیاسی ایران طی قرون و اعصار تأثیر عمده داشت، درهم کوبید. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران برای نخستین بار نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی برخلاف دوره شاهی که نخبگان یا وابسته به خانواده سلطنتی و یا چند خانواده‌ای بودند که از طریق ازدواج‌های سیاسی با خانواده سلطنتی ارتباط داشتند، از یک لایه و یا طبقه اجتماعی کامل برخوردار شدند. با انقلاب ایران که به پشتوانه قدرت مردم به پیروزی رسید مردم در راس موسسات و نهادها قرار گرفتند و روحانیت در راس هرم قدرت سیاسی کشور جای گرفت.

الدسوقی در مقدمه پژوهش خود تأکید دارد که هدفش از این بررسی شناسااختن اذهان مردم عرب با شخصیت‌هایی است که جمهوری اسلامی ایران را بنیان گذاشتند و سپس آن را رهبری

مرکز پژوهش‌های آسیایی و دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه قاهره (مصر) در سال ۱۹۸۸ پژوهشی با عنوان «نخبگان سیاسی ایران» منتشر کرد. «دکتر مدحت احمد حماد الدسوقی» در این پژوهش کوشیده است با توجه به ترکیب نمایندگان نخستین دوره مجلس شورای اسلامی، نخبگان جمهوری اسلامی ایران را از جنبه خواستگاه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بررسی کند و از این جهت به مقایسه و تفاوت‌های آنان با نخبگان زمان شاه بپردازد. نویسنده در مقدمه این پژوهش تأکید دارد که حاصل کار او نخستین پژوهش در جهان عرب در مورد نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران است که با استفاده مستقیم از منابع فارسی گردآوری و تهیه شده است.

الدسوقی در مقدمه این پژوهش خاطرنشان می‌کند که با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ و سقوط سلطنت ۲۵۰۰ ساله برای نخستین بار در تاریخ ایران

کردند. در واقع قصد او آشناساختن مردم عرب با جامعه ایران از سال ۱۹۷۹ و درک چگونگی روند تصمیم‌گیری در ایران پس از انقلاب و دلایل اتخاذ تصمیمات است تا از این طریق شناخت لازم در مورد رویکردهای نظام اسلامی در دو سطح داخلی و خارجی بدست آید و رفتار سیاسی ایران در عرصه خارجی در آینده نزدیک قابل شناخت و پیش‌بینی گردد.

الدسوقی در همان ابتدا توضیح می‌دهد که معیارش در این پژوهش بررسی نخبگان جمهوری اسلامی در بخشهای مقننه، اجرایی و قضائیه ایران بوده است و بدین منظور اعضای نخستین دوره مجلس شورای اسلامی را مورد بررسی قرار داده است. او تأکید می‌کند که تحقیقش نخبگان غیررسمی داخل ایران را دربرنمی‌گیرد، ضمن آنکه برخی از نخبگان مورد بررسی او پس از سال ۱۹۸۰ احتمالاً به صف مخالفان نظام پیوسته‌اند. او برای بررسی نخبگان جمهوری اسلامی به مسائلی چون نام، نام خانوادگی، حوزه انتخاباتی، محل تولد، تاریخ تولد، سطح سواد، آموزشهای دینی و غیردینی، تحصیلات خارج

از کشور، سفرهای غیرتحصیلی به خارج، آشنایی به زبان خارجی، تالیفات و یا ترجمه‌ها، فعالیتهای پیش از انقلاب و پس از آن، شغل پدر و ... توجه کرده است و مهمترین منبع نویسنده در این زمینه‌ها اطلاعاتی است که به صورت کتابچه توسط مجلس شورای اسلامی از مشخصات نمایندگان نخستین دوره مجلس شورای اسلامی تحت عنوان «آشنایی با مجلس شورای اسلامی» منتشر شده است. الدسوقی تأکید می‌کند که در این پژوهش او حول دو محور اصلی نخبگان ایران از نظر تاریخی و پایگاه اجتماعی و فرهنگی نخبگان ایران بحث می‌کند.

#### ۱- نخبگان ایران از نظر تاریخی

اسطوره‌های تاریخی ایرانیان حاکی است که روحانیون و علمای دینی همواره در صدر طبقات اجتماعی ایران بوده‌اند و پس از پادشاه که ظل‌الله شمرده می‌شد روحانیون در صدر جامعه قرار داشتند با این همه و به رغم این جایگاه تاریخی کمتر مشاهده شده که عالمان بزرگ در قدیم یا معاصر تا کرسی صدارت بالا رفته باشند.

در دوره هخامنشیان مردم ایران به این

طبقات تقسیم می شدند:

اندازه جابجایی طبقات از پایین به بالا و یا به

۱- امرای دارای خون پادشاهی و

عکس نمی تواند فروپاشی یک امپراتوری را

فرماندهان نظامی ۲- رهبران دینی و

تسریع کند.<sup>۱</sup> این برداشت تا حدی با برداشت

نگهبانان آتشکده های زردتشتیان

اسلام در مورد تقسیم جامعه به گروه ها و

۳- روشنفکران ۴- کشاورزان و کارگران

درجات مختلف شباهت دارد. خداوند

مشاغل گوناگون

می فرماید (و هو الذی جعلکم خلایف الارض

در دوره ساسانیان این طبقات

و رفع بعضکم فوق بعض درجات لیبلوکم فی

این گونه تغییر یافتند:

ما آتاکم ان ربک سریع العقاب و انه لغفور

۱- رهبران و روحانیون ۲- جنگجویان

رحیم». <sup>۲</sup> همچنین خداوند می فرماید (و رفعنا

۳- افراد دیوانی شامل تاریخ نگاران،

بعضهم فوق بعض درجات لیثخذ بعضهم بعضاً

رجال مشهور، شعرا، و پزشکان ۴- دهگانان و

سخریا و رحمه ربک خیر مما یجمعون).<sup>۳</sup>

رهبران و تجار و صاحبان حرف.

اما تفاوت این دو دیدگاه در این است

این تقسیم بندی گروه های مردم

که اسلام امتیاز و برتری هر فرد و درجه افراد

همان چیزی است که اوستا از سطوح نسبی

را به تقوا و عمل صالح آنها بسته می داند.

جایگاه اجتماعی مردم تصویر کرده و بر

ماروین زونس در توضیح این مسئله

ویژگی و مفید بودن رتبه بندی چهارگانه نوع

می گوید؛ فلسفه ظهور نخبگان در تاریخ ایران

بشر تاکید کرده است با این هدف که جامعه

در ساده ترین اشکال خود ظاهر شد. مبنی بر

را بر ضرورت این تقسیم بندی به عنوان عامل

این که اقلیت لازم است حکومت کند، زیرا

قوام بخش زندگی مجاب کند و هر فردی

بالفعل حکومت می کند و این که اکثریت نه

نسبت به جایگاه اجتماعی خود راضی باشد و

هم اکنون و نه هیچ گاه حکومت نکرده و

این رده بندی اجتماعی را برای بقای

نخواهد کرد.<sup>۴</sup>

حکومت و ثبات و استقرار آن ضروری بداند.

ثروتمندان و مالکان ایرانی با پذیرش

اردشیر، از پادشاهان ساسانی،

اسلام در ایران و همکاری با اعراب توانستند

در این باره اعتقاد داشت که هیچ امری به

قدرت و ثروت خود را حفظ کنند. این

همکاری برای دوطرف ضروری به شمار می‌رفت و بدین صورت بود که از ساختار اجتماعی جامعه ایران پیش از اسلام پس از گرویدن ایرانیان به دین اسلام هم محافظت شد.<sup>۵</sup> این وضعیت طی ده قرن تبعیت ایران از

دولت اسلامی در عهد خلفا و امویان و عباسیان و سپس عهد حکومت‌های کوچک تا روی کار آمدن صفویه وجود داشت. در دوره صفویه بود که ساختار اجتماعی ایران یک بار دیگر بازسازی شد و آنها جامعه را به طبقات چهارگانه‌ای تقسیم کردند که پادشاه در رأس هرم اجتماعی قرار داشت:

- ۱- پادشاه و خانواده سلطنتی
- ۲- افسران و نظامیان
- ۳- دیوان پادشاهی
- ۴- رهبران دینی
- ۵- تجار و فئودال‌های بزرگ.

در پی این طبقات عامه مردم شامل کشاورزان، کارگران خدمتگزاران و صاحبان حرف قرار داشته‌اند.

بعدها این طبقه بندی چنین شد:

- ۱- خانواده سلطنتی
- ۲- رهبران قبائل
- ۳- استانداران و شهرداران
- ۴- روحانیون
- ۵- تجار و کشاورزان و خدمتکاران.

این تقسیم بندی اجتماعی مانع از جابجایی طبقات و ظهور نخبگان جدید و یا پیوستن نخبگان جدید به گروه نخبگان حاکم نبود و بدین منظور راه‌هایی بدین شرح وجود داشت:

- ۱- نشان دادن سرسپردگی و انجام دادن کارهای چشم‌گیر
- ۲- تقدیم هدایا
- ۳- ازدواج
- ۴- ارتش
- ۵- فروش مناصب.

زورنس می‌گوید همین امر سبب شد که در ایران ثروت و قدرت رابطه تنگاتنگ بیابد و این پدیده در عصر پهلوی به ویژه با

افزایش درآمدهای نفت نمود بارزتری یافت تا آنجا که طبقه حاکم جدید بیانگر تحولات تازه اقتصادی و ظهور سه گروه عمده بود:

- ۱- افسران عالی رتبه نیروهای مسلح و کارمندان عالی رتبه دولت
- ۲- مالکان بزرگ و سرمایه‌داران بزرگ
- ۳- سرمایه‌گذاران، بساز و بفروش‌ها ملاکان که از شکوفایی نفتی بیشترین سود را می‌بردند.

- ۲- بنیان اجتماعی نخبگان جمهوری اسلامی

از ۲۱۶ نخبه جمهوری اسلامی که در

به طور کلی در جهان سوم و به ویژه کشورهای عربی و خاورمیانه از آن برخوردارند.

اما در جمهوری اسلامی از میان ۲۱۶ نخبه مورد پژوهش ۱۴۶ نفر در استان محل تولد، ۲۷ نفر از حوزه محل تولد و ۳۸ نفر خارج از محل تولد نامزد انتخابات شدند و ۵ تن در خارج از ایران (نجف و کربلا) تولد یافته اند.

همچنین پژوهش‌ها حاکی است که متوسط سن ۱۴۶ عضو مجلس شورای اسلامی (دوره اول) از ۲۵ تا ۴۵ سال بوده است. هر چند سن ۲۵ سال برای نمایندگی مجلس سن کمی است و نمی‌توان تصور کرد که تناسبی میان این سن با خبرگی سیاسی و نفوذ و قدرت و دانایی و آگاهی به مسایل سیاسی بین المللی و داخلی به نحو مثبت وجود داشته باشد اما باید اذعان کرد که پایین بودن سن از یک جهت می‌تواند این ویژگی را برای جمهوری اسلامی داشته باشد که این نخبگان در عرصه جامعه و سیاست تواناییها و تجربه های لازم سیاسی را فرا می‌گیرند که در نهایت به حمایت از دستاوردهای سیاسی و اجتماعی نظام اسلامی ایران تبدیل خواهد شد.

این تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند ۴۷ تن (۲۱ درصد) در شمار سادات و از خانواده پیامبر اسلام به شمار می‌روند. ورود این تعداد سادات به کادر نخبگان ایران نتیجه مستقیم حکومت دینی در این کشور است. ویژگی دیگر نخبگان جمهوری اسلامی که نتیجه طبیعی حکومت دینی در ایران است تقسیم نخبگان به روحانیون و افراد شخصی

است. از میان ۲۱۶ نخبه مورد بررسی ۹۸ تن (۴۸ درصد) روحانی هستند.<sup>(۶)</sup> این آمار حاکی از افزایش نقش روحانیون در کادر نخبگان سیاسی معاصر و افزایش نفوذ آنها در حیات سیاسی ایران است.

پژوهش‌های موجود در مورد محل تولد نخبگان زمان شاه حاکی است که تهرانیها در این دوره از امتیازات ویژه ای برخوردار بوده اند و رابطه ای مستقیم میان تولد در پایتخت و امکان راه یابی به قدرت سیاسی وجود داشته است و مسائلی چون آموزش و سفر به خارج از جمله امکاناتی بوده است که عمدتاً در اختیار متولدین تهران بوده است.<sup>۷</sup> در این باره پژوهش‌های زونس در مورد رابطه میان نخبگان زمان شاه و محل تولد آنها بنحوی گویای وضعیتی است که نخبگان

با توجه به این ویژگی این پژوهشگر مصری به این نتیجه دست می‌یابد که نظام موجود در ایران به عمر خود برای دوره ای طولانی (اگر واقعه ای توفانی پیش نیاید)

۳- پدران نخبگان ایران و مشاغل آنها  
پس از انقلاب ایران یک گروه اجتماعی جدید در دولت و سازمانهای کشور پا گرفت که با ویژگیهای اجتماعی رهبران انقلاب سنخیت داشتند و با نخبگان زمان شاه آشکارا متفاوت بودند. این اختلاف در وهله نخست ناشی از تفاوت در بنیان خانوادگی و اجتماعی این دو گروه از نخبگان (پیش و پس از انقلاب) بود. زونس تعدادی از ویژگی‌ها و تفاوت‌های شغلی و اجتماعی پدران نخبگان دو دوره پیش و پس از انقلاب را برمی‌شمارد که گویای تفاوت‌های حرفه‌ای و اجتماعی آنهاست. او مهمترین وجوه پدران نخبگان حکومت شاهی را چنین برمی‌شمارد:

۱- به رغم تازگی نسبی ایجاد مشاغل دولتی و اجتماعی در ایران پیش از جنگ جهانی دوم حدود ۶۴ درصد از پدران نخبگانی که در مورد آنها اطلاعات بدست آمد مناصب حکومتی داشته‌اند.

ادامه خواهد داد. آمار نخستین دوره مجلس شورای اسلامی حاکی است که روحانیون با متوسط سن ۲۵ الی ۴۵ سال ۸۶ تن از مجموع ۹۸ عضو روحانی مجلس را تشکیل می‌دهند؛ حضور این تعداد روحانی جوان در کادر نخبگان جمهوری اسلامی ایران این نتیجه‌گیری پیشین را تقویت می‌کند که نظام اسلامی با ویژگیها و کارکردهایش برای دوره ای نسبتاً طولانی باقی خواهد ماند. الدسوقی در این باره ادعا می‌کند که این روحانیون با نمایندگی مردم در مجلس، صاحب نفوذ و جایگاه سیاسی و اجتماعی و مادی شده‌اند و احتمالاً همچون همه نخبگان دیگر کشورها برای حفظ منافع خود خواهند کوشید. در عین حال که در نظام اسلامی ایران روحانیون دست بالا را دارند لائیکها، لیبرالها، ناسیونالیستها، روشنفکران، مارکسیست‌ها و سوسیالیست‌ها نقشی ندارند. از همین رو روحانیون و نخبگان جمهوری اسلامی می‌توانند با استفاده از این

۲- حدود ۸۰ درصد از پدران نخبگان که دارای مناصب دولتی بوده‌اند بیش از ۲۵ سال در منصب خود کار کرده‌اند و دارای مشاغل عالی بوده و در شمار افراد روشنفکر زمان خود به شمار می‌آمده‌اند.

۳- براساس اظهارات نخبگان ۹۵ درصد پدران آنها سواد خواندن و نوشتن داشته‌اند و یک چهارم آنها تعلیمات کافی دریافت کرده بودند و ۲۱ نفر از آنها دارای تحصیلات خارج از کشور بوده‌اند. درعین حال در آن زمان آموزش‌های غیرمذهبی و روز امتیازی مهم برای دستیابی به مناصب حکومتی حساس برای پدران نخبگان به شمار می‌رفته است.

۴- پدران نخبگان دوره شاه علاوه بر برخورداری از آموزش دارای ثروت بی حساب بودند و دست کم ۳۰ درصد آنها مالک پنج روستا بوده‌اند. آمار دیگری حاکی است که ۶ درصد از پدران نخبگان شاه علاوه بر ملاکی کارگزار دولتی نیز بوده‌اند. به طور کلی پدر نخبگان دوره شاه هر چه منصب بالاتر دولتی داشته‌اند و یا از اراضی زراعی بیشتری برخوردار بوده‌اند از ثروت ارضی خود در راه کسب قدرت محلی استفاده

کرده‌اند. درعین حال قدرت و ثروت و آموزش پدران نخبگان با قدرت فرزندان ارتباط داشته و میان قدرت و ثروت رابطه‌ای مستقیم وجود داشته است که هر یک امتیاز ثانوی را به همراه می‌آورده است.

۵- فرزندان نخبگان شاهی از نظر زادگاه در شهرهای بزرگ و به ویژه تهران به دنیا آمده بودند و آمار حاکی است که ۳۰ درصد نخبگان دوره حکومت پادشاهی متولدین تهران بوده‌اند. آمارهای دیگر حاکی است که از مجموع ۳۲۸ نفر مورد پژوهش تنها شغل ۷ تن از پدران آنها کشاورزی یا مشاغلی چون نانوایی و صنایع دستی بوده است.

اما این وضعیت در جمهوری اسلامی تغییر یافت و شرایط متفاوتی پدید آمد. بررسی‌های در مورد پدران نخبگان پس از انقلاب تفاوت‌های فاحشی را در مقایسه با پیش از انقلاب نشان می‌دهد.<sup>۸</sup> نتایج این بررسی‌ها بدین شرح است:

۱- وضعیت پدران نخبگان سیاسی طبقه متوسط در جمهوری اسلامی:  
الف) ۶۹ نفر از پدران نخبگان یعنی ۳۲ درصد کشاورز هستند.

ب) ۱۶ تن از پدران نخبگان یعنی ۸ درصد در مشاغل فنی ساده شاغل بوده اند. بیشتر نیست و این نشانگر تاکید انقلاب بر طرد این افراد به عمد و یا به صورت طبیعی و متناسب با تغییر کلی نظام است.

ج) ۹ نفر از پدران این نخبگان یعنی ۴ درصد دارای مشاغل اجتماعی متوسط از قبیل آموزگاری مقاطع ابتدایی و دبیری بوده اند. نتیجه این که ۴۳ درصد از پدران نخبگان جمهوری اسلامی به لایه اجتماعی متوسط وابسته بوده اند.

۲- ۸۰ تن از پدران نخبگان جمهوری اسلامی یعنی ۳۷ درصد از آنها دارای آموزشهای دینی و دولتی محدود بوده اند. (۶۳ نفر دینی و ۱۷ نفر دولتی)

۳- نظام جمهوری اسلامی ویژگیها و کارکردهای دینی خود را حفظ خواهد کرد. پژوهشها در مورد مشاغل پدران نخبگان حاکی است که ۲۹ درصد از نخبگان جمهوری اسلامی روحانی زاده اند، نظر به افزایش نخبگان پیش بینی می شود در آینده نیز این موقعیت افزایش یابد.

۴- شمار کمی از پدران نخبگان وجود دارند که در زمان شاه آموزش عالی دیده و یا مناصب دولتی بالایی داشته اند. پژوهشها حاکی است که میزان این افراد از ۲ درصد

هرچند باید با تواضع ریشه های اجتماعی نخبگان جمهوری اسلامی را با توجه به مشاغل پدران آنها پذیرفت اما این بدان معنا نیست که در آینده هم همین معیارها باقی بماند. انتظار نمی رود که نخبگان سیاسی آینده همواره متمایل به لایه ها و گروههای اجتماعی متوسط باشند، زیرا نخبگان از مزایا و منافع اجتماعی و سیاسی برخوردارند که به راحتی آنها را از دست نخواهند داد و خواهند کوشید با تمام توان این دستاوردها را به فرزندان و نزدیکان خود منتقل کنند تا موقعیت برتر خود را در دولت محفوظ نگاه دارند. این پدیده ای است که عموماً پژوهشگران آن را در مورد هر دولت و در هر دوره ای مشاهده می کنند زیرا نخبگان می کوشند دستاوردهای خود را حفظ و به نوعی اقدام به عمل وراثت یا انتقال این دستاوردها به فرزندان خود می نمایند.



## انقلاب

### ۴- پشتوانه حرفه‌ای نخبگان پس از

نمایندگان مجلس و خانواده سلطنتی قرار داشتند.

ماروین زونس و بیژگیهای کاری نخبگان سیاسی ایران در دوره شاه را چنین برشمرده است:

همچنین در این دوره قدرت روحانیون به رغم تعداد کم آنها در حکومت نسبتاً زیاد بود، زیرا آنها نمایندگی گروهی بسته را به عهده داشتند که نفوذ به درون آن مشکل می‌نمود و اندک بودن تعداد روحانیون درباری موجب حسن شهرت گسترده روحانیون در میان مردم و مخالفان حکومت شاه شده بود.

۱- همه مشاغل و کارها در اختیار افراد نخبه سیاسی قرار داشت که پزشکان، نظامیان، رهبران قبایل و نزدیکان به ملکه و حتی منجمان و آموزگاران زبان فارسی را در بر می‌گرفت.

۲- نخبگان دوره شاه به رغم تفاوت تخصص‌هایشان همگی نمایندگان و نخبگان رسمی دولتی به شمار می‌آمدند.

بررسیها در مورد پشتوانه حرفه‌ای نخبگان پس از انقلاب حاکی است:

۱- برخلاف دوره شاه یک گروه کاری از نخبگان جمهوری اسلامی قدرت برتر به شمار می‌روند.

۳- هیچ گروه تخصصی قارد نبود حیات سیاسی ایران را در اختیار بگیرد زیرا با

۲- بررسی مشاغل برخی نخبگان جمهوری اسلامی حاکی از نوعی مغایرت و دوگانگی شغلی در فعالیتهای آنهاست بدینگونه که تعدادی از نخبگان در حالی عناصر مؤثر قوه مجریه‌اند که زمینه این موقعیت را از نمایندگی در مجلس بدست آورده‌اند. نخست‌وزیر، ده‌تن از وزراء و یک معاون نخست‌وزیر از جمله این افرادند.

سیاست «تفرقه بیانداز و حکومت کن» شاه روبرو می‌شد. شاه به هیچ گروهی اجازه نمی‌داد بیش از یک ششم مشاغل را در اختیار بگیرد و افزون بر آن هیچ گروهی نمی‌توانست با استفاده از نخبگان در حکومت و یا تواناییهای دربخشهای مختلف تهدیدی خطرناک برای حکومت شود.

۴- صاحبان صنایع و رهبران دینی و بازرگانان در مرتبه‌های پس از وزراء و

این مناصب از عالی‌ترین مناصب

اجرایی است که عموماً نخبگان سیاسی برای دستیابی به آنها تلاش می کنند.

۳- جداول کاری نخبگان نشان می دهد که ۶۶ تن از نخبگان مورد پژوهش در جمهوری اسلامی مشاغلی دیگر جز شغل اصلی خود یعنی عضویت در مجلس داشته اند. این وضعیت در دوره شاه هم

وجود داشت و زونس آن را این گونه تحلیل کرد: اقدام به امور دیگر در کنار انجام وظیفه اصلی صرفاً با خواسته دستیابی به منافع

ظاهری از جمله افزایش درآمد نخبگان نیست، بلکه در عین حال در جهت آرزوهای دیگری است، زیرا فعالیت یک نفر در امور مختلف به او کمک می کند تا قدرت بیشتری را در اداره سازمانی به دست آورد که ممکن است در آینده به او واگذار شود.<sup>۹</sup>

۴- پژوهشها حاکی است که اغلب نخبگان پس از انقلاب نخبگان رسمی دولتی به شمار می روند.

۵- نخبگان غیر دولتی همچون بیش از انقلاب، تعدادشان زیاد نیست. به این معنا که بازرگانان یا صاحبان دیگر مشاغل چون پزشکان، سیاستمداران و نویسندگان و دانشمندان علوم نقش برجسته ای در

حکومت ندارند. شاید یکی از دلایل آن آموزش این افراد در خارج و مشخصاً اروپا و امریکا باشد که از نظر فکری و دینی با آرمانها و ارزشهای نظام تازه تطابق ندارند و این که تعدادی از آنها در دوران مبارزه باشاه با گروههای مذهبی انقلابی همراهی نکرده اند.

#### یادداشتها:

1. Marvin Zonis, *The Political Elite Of Iran*, U. S. A. New Jersey 1986 pp. 119.

۲- سورة انعام آیه ۱۶۵

۳- سورة زخرف آیه ۳۲

۴- ماروین زونس، همان، ص ۱۲۶.

۵- همان، ص ۱۲۶.

۶- آشنایی با مجلس شورای اسلامی به ضمیمه کارنامه سال اول مجلس، روابط عمومی مجلس شورای اسلامی ۱۴۰۱ ه.ق، ۱۳۶۰ ه.ش تهران ص ۱۹۰.

۷- ماروین زونس، همان ص ۱۳۵-۱۴۴

۸- آشنایی با مجلس شورای اسلامی

۹- ماروین زونس، همان، ص ۱۸۹.

#### فهرست منابع

منابع عربی:

۱- «الأساطير الإيرانية القديمة»، احسان یارشاطر، ترجمه دکتر محمد صادق نشأت، چاپ اول. قاهره ۱۹۶۵.

۲- «ایران ماضیها و حاضرها»، دونالدولبر، ترجمه و تحلیل دکتر عبدالنعمیم حسنین، چاپ دوم. قاهره ۱۴۰۵ ه.ق. ۱۹۸۵ م.

- ۳- «مقدمات الثورة في إيران»، فرد هالیدی، ترجمه مصطفی کرکوتی، چاپ دوم، بیروت.
- ۴- «ایران من الداخل»، فهیمی هویدی، چاپ سوم قاهره ۱۹۸۸ م.
- ۵- «سیاست نامه»، نظام الملک، ترجمه و تحلیل دکتر محمد السید العزاوی چاپ دوم، قاهره ۱۸۷۶ م.
- ۱۰- «درباره قانون اساسی جمهوری اسلامی» وزارت ارشاد اسلامی تهران ۱۳۶۱ ه.ش - ۱۹۸۱ م.
- ۱۱- «قانون اساسی جمهوری اسلامی» وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، تهران ۱۳۷۰ ه.ش، ۱۹۹۰ م.
- ۱۲- «قانون اساسی ایران و اصول دمکراسی ایران» دکتر مصطفی رحیمی، چاپ سوم، تهران ۱۳۵۷ ه.ش، ۱۹۷۷ م.

### منابع فارسی:

- ۶- «آشنایی با مجلس شورای اسلامی، به ضمیمه کارنامه سال اول مجلس، مجلس شورای اسلامی، روابط عموم، چاپ اول، تهران ۱۳۶۰ ه.ش.
- ۷- «ایران شهر»، نشریه شماره ۲۲، دانشگاه تهران کمیسیون ملی یونسکو، ایران، جلد دوم، ۱۳۴۳ ه.ش. ۱۹۶۴ م.
- ۸- «تاریخ معاصر ایران از تأسیس تا انقراض سلسله قاجاریه»، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی. چاپ تهران.
- ۹- «حقوق اساسی»، دکتر قاسم زاده، انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۱۶.

### منابع انگلیسی

13. Marvin Zoniz, *The Political Elite Of Iran*, Primates U. S. A. New Jersey, 1986.

سید محمود بجنوردی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی